

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**



دانشگاه قم  
دانشکده الهیات  
پایان نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

**بررسی تحلیلی مسأله عقل و ایمان با گزارشی  
از کتاب reason and religious faith  
پرفسور پنل هام و نقد آن بر اساس آراء علامه  
طباطبایی**

استاد راهنما:  
**دکتر عسگر دیر باز**

استاد مشاور:  
**دکتراله بداشتی**

نگارنده:  
**اسحق عبادی خورشیدی**

زمستان ۱۳۸۷

تقديم به:

به تمام رهپويان علم و ايمان

## تقدیر و تشکر:

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا بر خود لازم می‌دانم از تمامی اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده‌اند تقدیر و تشکر نمایم. از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر عسکر دیرباز که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان‌نامه تقبل نموده‌اند، نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم. از جناب آقای دکتر علی اله‌بداشتی به عنوان مشاور که با راهنمایی خود مرا مورد لطف قرار داده‌اند کمال تشکر را دارم. همچنین بر خود واجب می‌دانم، از آقای پرفسور پنل‌هام به خاطر پاسخ به پرسش‌های بنده نهایت سپاسگزاری را بجا آورم.

## چکیده

مسأله ارتباط عقل و ایمان یکی از مباحث مطرح فلسفی در تاریخ تفکر به شمار می‌آید. زمانی دغدغه فلاسفه رابطه داده‌های وحیانی با یافته‌های عقلانی بود. اما اینک بحث از معقولیت و توجیه باورهای دینی می‌باشد. بنابراین جایگاه بحث در معرفت‌شناسی دینی قرار می‌گیرد. تلقی غالب در معرفت‌شناسی دینی قائل است، باورهای دینی صادق، معقول و موجه بوده و اعتقاد به آن به نحو واقعی پایه است. اما این بحث ناظر به ساحت معرفتی باور دینی است. و اگر انسان را دارای سه ساحت معرفتی، عاطفی و ارادی بدانیم باید به نقش این ساحت توجه کنیم. بنابراین در معرفت‌شناسی دینی معاصر علاوه بر ساحت معرفتی باور به ساحت عاطفی و ارادی آن نیز توجه می‌شود. آنچه در ساحت عاطفی و ارادی اهمیت دارد نقش این ساحت در ایمان است و اینکه این ساحت در تأثیر و تأثر متقابل یکدیگرند یا خیر؟ عده‌ای بر نقش موثر ساحت عاطفی و ارادی در ایمان تأکید می‌کنند و عده‌ای تنها بر نقش ساحت معرفتی تأکید دارند و عده‌ای نیز بر تأثیر ساحت غیر معرفتی بر ساحت معرفتی در ایمان قائلند. بنابراین نمی‌توانیم نقش این ساحت را در باور و ایمان نادیده بگیریم. اما متکران مسلمان به خاطر تأکید اسلام بر نقش عقل، بیشتر ساحت معرفتی ایمان را مورد توجه قرار دادند. علامه طباطبایی نیز اگر چه بیشتر بر ساحت معرفتی انسان در ایمان تأکید کردند، اما از ساحت عاطفی و ارادی غفلت نکردند. ایشان با تأکید بر جایگاه قلب و نقش مؤثر آن در ایمان، بر تأثیر ساحت عاطفی و با تأکید بر نقش اراده و اختیار در انسان بر تأثیر ساحت ارادی در ایمان توجه کردند. ایشان همچنین در بعد معرفتی، با تأکید بر تأثیر این ساحت، معتقدند میان عقل و ایمان هیچ گونه تعارضی وجود ندارد و باورهای دینی معقول و موجه هستند. بنابراین با توجه به این مباحث درصددیم تا اندیشه‌های متفکران غربی در این باب را مورد بررسی قرار دهیم و سپس با اندیشه‌های علامه طباطبایی تطبیق داد و مورد نقد قرار دهیم. روش ما نیز در این رهیافت کتابخانه‌ای می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** عقل، ایمان، اراده، عاطفه

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

---

۱	مقدمه.....
۱	۱. بیان مسأله تحقیق.....
۱	۲. سؤالات تحقیق.....
۱	۳. پیشینه تحقیق.....
۲	۴. ضرورت تحقیق.....
۲	۵. اهداف کاربردی تحقیق.....
۲	۶. فرضیه‌های تحقیق.....
۲	درباره کتاب.....
۳	درباره نویسنده.....

## فصل اول:

### کلیات

۶	۱. ایمان و فلسفه دین.....
۷	۲. ایمان و مطالعه دین.....
۸	هدف از مطالعه علمی ادیان چیست؟.....
۱۰	۳. ایمان و دین.....
۱۲	۴. الهیات « <b>theology</b> ».....
۱۲	۵. ایمان به عنوان پدیده « <b>Phenomenon</b> ».....
۱۴	چرا ایمان حیرت‌انگیز و معمای می‌باشد؟.....
۱۶	۷. ایمان در متون دینی.....

## فصل دوم: ایمان در فلسفه غرب

۲۳	مقدمه
۲۳	۱. پیش از آکوئیناس
۲۵	آگوستین
۲۶	آنسلم
۲۷	۲. آکوئیناس
۴۱	۳. بعد از آکوئیناس
۴۲	۳-۱. ایمان، شکاکیت، میناگرایی
۴۹	۳-۲. چالش نو دکارتی با مسأله ایمان
۵۴	۳-۳. ایمان گرایی شکاکانه
۵۵	پاسکال
۵۹	کی یر کگارد
۶۷	۳-۴. افول میناگرایی

## فصل سوم: باور و اراده

۷۰	مقدمه
۷۳	۱. نقش انتخاب و گزینش در باور
۸۴	۲. باورهای ناموجه
۸۹	۳. باور و میل
۹۲	۴. معتقد باش!
۹۷	۵. باور کردن امر محال
۱۰۴	۶. نتیجه

## فصل چهارم: ایمان، یقین، اضطراب

۱۰۷	۱. ایمان و معرفت
-----	------------------

۱۱۳.....	۲.ایمان و باور.....
۱۱۶.....	۳.ایمان و اعمال.....
۱۲۱.....	۴.ایمان و اعتماد.....
۱۲۶.....	۵. نیاز به یقین.....

## فصل پنجم: ایمان و عقلانیت

۱۳۱.....	مقدمه.....
۱۳۲.....	۱.ایمان و روش‌های عقلانیت.....
۱۳۸.....	۲.باور و مصلحت‌اندیشی.....
۱۴۹.....	۳.کلام مبتنی بر باور پایه.....

## فصل ششم: نقد

۱۷۱.....	۱. تعریف ایمان.....
۱۷۲.....	۲.متعلق ایمان.....
۱۷۳.....	۳.ایمان، شک، یقین.....
۱۷۵.....	۴.ایمان و عمل.....
۱۷۸.....	۵.ایمان و معرفت.....
۱۸۰.....	۶.ایمان و مؤلفه عاطفی.....
۱۸۳.....	۷.توکل و اعتماد.....
۱۸۵.....	۸.ایمان و اراده.....
۱۸۸.....	۹. ایمان و عقل.....
۱۸۹.....	۱۰.بحث فطرت.....
۱۹۳.....	فهرست منابع و مآخذ.....
۱۹۳.....	منابع فارسی.....
۱۹۵.....	منابع عربی.....
۱۹۵.....	منابع انگلیسی.....
	چکیده انگلیسی



## مقدمه

### ۱. بیان مسأله تحقیق

مسأله عقل و ایمان از گذشته در میان متفکران غربی و اسلامی در فلسفه مطرح بوده است. دو نگاه به مسأله عقل و ایمان در میان متفکران غربی وجود داشته است. نگاه اول: مسأله عقل و ایمان به صورت بحث از عقل و دین، فلسفه و دین یا عقل و وحی می‌باشد. که مراد ارتباط داده‌های وحیانی و یافته‌های عقلانی است. نگاه دوم: به مسأله عقل و ایمان به صورت بحث از معرفت‌شناسی دینی است. که دوره‌های متأخری از تاریخ فلسفه را شامل می‌شود. بحثی که در این کتاب عقل و ایمان دینی مطرح می‌باشد ناظر به بحث معرفت‌شناسی دینی می‌باشد.

### ۲. سوالات تحقیق

- ۱) چه ارتباطی میان عقل و ایمان می‌باشد؟ آیا ایمان عقلانیت پذیر است یا فاقد عقلانیت می‌باشد؟ آیا برای ایمان به باور دینی به ویژه باور به خدا نیاز به برهان می‌باشد؟
- ۲) آیا باور دینی به ویژه باور به خدا بدون استدلال امکان‌پذیر است؟
- ۳) رابطه ایمان با باور (ساحت معرفتی) و ساحت عاطفی و ارادی (ساحت غیر معرفتی) انسان چگونه است؟ آیا ایمان متعلق به یکی از این ساحت‌هاست یا اینکه متعلق به سه ساحت می‌تواند باشد؟
- ۴) ارتباط ایمان با شک و یقین چیست؟ اگر ایمان را امری یقینی بدانیم آیا از نوع یقین معرفت‌شناختی است و یا یقین روان‌شناختی و یا هر دو؟

### ۳. پیشینه تحقیق

درباره مسأله عقل و ایمان (معرفت‌شناسی دینی) از دیدگاه پرفسور پنل‌هام و نقد آن براساس آراء علامه طباطبایی تحقیقی انجام نشد.

#### ۴. ضرورت تحقیق

مسئله عقل و ایمان در دهه‌های اخیر در غرب پررنگ تر شد و به همین جهت این مباحث در طول یک دهه گذشته وارد جامعه فلسفی کشور شد لذا ضرورت دارد که جنبه‌های گوناگون این مسئله از دیدگاه فلسفه اسلامی مورد بررسی قرار بگیرد. و ما در این امر مسئله معرفت‌شناسی دینی را از دیدگاه آقای پنل‌هام در مقابل دیدگاه علامه طباطبایی که یکی از فیلسوفان مطرح اسلامی می‌باشد قرار داده‌ایم. تا از منظر فلسفه علامه طباطبایی مباحث معرفت‌شناسی دینی را به نقد و چالش بطلبیم.

#### ۵. اهداف کاربردی تحقیق

اولاً: بررسی و تبیین دقیق مسئله عقل و ایمان (معرفت‌شناسی دینی) از دیدگاه اندیشمندان غرب.  
ثانیاً: نقد آن براساس آراء علامه طباطبایی.

#### ۶. فرضیه‌های تحقیق

- ۱) ایمان دینی به ویژه باور به خدا می‌تواند از طریق برهان و استدلال عقلانیت‌پذیر باشد اگر چه تکیه صرف به استدلال برهانی یا حذف آن در باورهای دینی می‌تواند آسیب‌زا باشد.
- ۲) در کنار تبیین استدلالی مستقیم بر اثبات وجود خدا، می‌توان از تبیین‌هایی غیرمستقیم از جمله یافته‌های فطری و شهودی و تحلیل عقلانی آنها مدد گرفت.
- ۳) از آنجایی که انسان موجودی چندساحتی می‌باشد در مسئله ایمان و باور دینی علاوه بر ساحت معرفتی، ساحت ارادی و عاطفی هم مؤثر می‌باشد.
- ۴) ایمان امری معطوف به یقین بوده و به نظر نمی‌رسد که با شک و تردید قابل جمع باشد و شاید بتوان در ایمان علاوه بر یقین معرفتی، یقین روان‌شناختی را معتبر و کافی دانست.  
روش کار ما کتابخانه‌ای و رهیافت ما تحلیلی و توصیفی می‌باشد.

#### درباره کتاب

#### Reason and Religious Faith

این کتاب در سال ۱۹۹۵ توسط انتشارات Westview در آمریکا چاپ شد. کتاب در موضوع عقل و ایمان (معرفت‌شناسی ایمان) و در شش فصل می‌باشد.

فصل اول: فصل اول کتاب درباره رابطه ایمان با فلسفه دین و الهیات و متون مقدس می‌باشد.  
فصل دوم: بحث تاریخی ایمان و همچنین مواضع الهی دانان طبیعی و ایمان‌گراها را به بحث گذاشته است.

فصل سوم: به مسأله ارتباط باور و اراده و نقش آنها در ایمان پرداخته است.  
فصل چهارم: به مسأله ارتباط ایمان با یقین و شک پرداخته است.  
فصل پنجم: موضوع معقولیت یا توجیه ایمان را که براساس نظریات پلانتینگا و آلستون می‌باشد، مورد توجه قرار داده است.

فصل ششم: به بحث نسیت معرفتی جان هیک با ذکر دلیل وی اشاره کرده است.  
به طور خلاصه شود گفت که کتاب علاوه بر این که به صورت تاریخی به مباحث پرداخته است در پی تشریح مسائل و با نگاه انتقادی نوشته شده است. آقای پرفسور پنل‌هام در مورد مسأله عقل و ایمان مقالات گوناگونی را در مجلات و کنفرانس‌ها ارائه دادند. آقای پرفسور راجر تریگ فیلسوف دین معروف انگلیس بر این کتاب چکیده سودمندی نوشته‌اند.

### **درباره نویسنده**

آقای پرفسور ترنس مایکل پنل‌هام در ۲۶ آوریل ۱۹۲۹ در برادفورت انگلیس متولد شد.  
وی تحصیلات دانشگاهی‌اش را در رشته فلسفه تا مقطع دکتری در دانشگاه‌های ادینبورگ و آکسفورد گذراند و در سال ۱۹۵۲ دکترای فلسفه را اخذ کرد.  
وی همچنین از سال ۱۹۵۲ تدریس خود را از دپارتمان فلسفه دانشگاه آلبرتا کانادا شروع کرد و در سال ۱۹۸۸ با عنوان استاد ممتاز فلسفه از دانشگاه کالگاری کانادا باز نشسته شد.  
وی علاوه بر تدریس و پژوهش، به فعالیت‌های اجرایی هم پرداخت که از جمله آنها ریاست دانشکده فلسفه دانشگاه کالگاری و رئیس انجمن فلسفه کانادا می‌باشد.  
وی همچنین از دانشگاه‌های مختلف جهان، دکترای افتخاری و جوایز گوناگون دریافت نمودند.

جک مک اینتاش حوزه‌های فعالیت و تخصص پنل‌ها را به سه گروه فلسفه دین، فلسفه ذهن و مطالعاتی درباره هیوم تقسیم می‌کند.<sup>۱</sup>

مایکل نیز معتقد است بحث ایمان و عقل و جدال مؤمن و شکاک از دغدغه‌های فکری سراسر فعالیت علمی پنل‌ها می‌باشد.<sup>۲</sup>

آقای پنل‌ها در طی دوران فعالیت‌شان کتب و مقالات زیادی در زمینه‌های گوناگون به رشته تحریر آوردند.

مهمترین کتب وی در زمینه معرفت‌شناسی دینی عبارتند از:

دین و عقلانیت، ایمان، مسائل معرفت دینی، خدا و شک‌گرایی

همچنین مهم‌ترین مقالات وی عبارتند از:

آیا باور دینی نیازمند مبنا است؟ ایمان و نامحتمل بودن، شک‌گرایی و ایمان‌گرایی، پاسخ به

ابهام جهان (بحث کثرت‌گرایی دینی) و...

برخی از مقالات مؤلف کتاب در مجموعه‌های فلسفی و کلامی معروف جهان منتشر شد. که از

جمله آنها عبارتند از: دایره‌المعارف کلام، مجموعه فلسفه دین بلکول و همچنین فلسفه رؤیال و

شرکت مک‌میلان.

همچنین آراء و نظرات مؤلف کتاب در دایره‌المعارف فیلسوفان مؤمن<sup>۳</sup> در کنار بزرگانی چون

پلانتینگا، آلستون، سویین‌برن و هیک مورد بررسی قرار گرفت.

---

1. J.J.MacIntosh and H. A. Meynell, Faith, Scepticism and personal identity: A. Festschrift for Terence Penelhum, (Calgary, University of Calgary press, 1994), p.5.

2. Ibid.

3. Philosopher Who believe.

# فصل اول:

## کلیات

## ۱. ایمان و فلسفه دین

محققان فلسفه در مواجهه با فلسفه دین به شیوه‌های گوناگونی عمل می‌کنند:

۱. آنها ممکن است عقاید دینی را به لحاظ منطقی (Conceptual) تحلیل کنند: آیا منطقی است، گمان کنیم موجودی که ما را خلق کرده، دارای وجودی شخصی، مجرد و قدرتمند است. و همه جا حضور دارد. رابطه مجازات ما و رحمت الهی چگونه است؟

۲. اگر این دعاوی، منطقی و منسجم باشند در عین حال دعاوی کیهانی و متافیزیکی مبهم هستند و پرسیده می‌شود، آیا آنها قابل اثبات (Prove) یا کشف (Disprove) هستند؟ آیا می‌توان ثابت کرد خدا وجود دارد یا نه؟

۳. چقدر باورهای دینی بر توانایی‌های ما در دست‌یابی به حقیقت و حیات معقول می‌افزایند؟ آیا معقول (Rational) است، شخصی زندگی خود را بر اساس باورهایی درباره خدا و ارتباطش با او بنا کند، یا چنین باورهای نامعقول هستند؟

مسائل فلسفی که ایمان بوجود می‌آورد ناشی از این سه مقوله‌اند. در نتیجه، مطالعه فلسفی ایمان عبارتند از: تبیین و بررسی معرفت‌شناسی دینی<sup>۱</sup>.

یکی از رویکردهای اساسی فلسفی به دین در قرن بیستم رویکرد تحلیلی می‌باشد. مطابق تلقی افراطی از فلسفه تحلیلی، کار فلسفه منحصر به تحلیل منطقی تصورات و توضیح معنای مفاهیمی است که به کار می‌بریم. طبق این تلقی فلسفه نمی‌تواند درباره صدق و کذب اعتقادات ما بحث کند. مطابق یک تلقی متعادل‌تر، رویکرد تحلیلی واقعاً به تحلیل روشن و دقت منطقی علاقمند است، اما این امور را مقدمه تأملات اساسی تر در باب حقیقت و معقولیت تلقی می‌کند<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup>. penelhum,terence. reason and religious faith (boulder, Colorado: westview press.1995),p.2

<sup>۲</sup>. مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه‌ی: احمد نراقی و ابراهیم سلطانی (تهران، نشر طرح نو، ۱۳۷۶)، ص ۲۶-۲۷.

بنابراین چنانچه، در سراسر کتاب خواهیم دید مؤلف محترم یکی از پیروان تلقی متعادل‌تر سنت فلسفه تحلیلی هستند. طبق نظر ایشان در بحث ایمان، به لحاظ فلسفی سه روش مذکور دارای اهمیت زیادی است.

گام اول: در این مباحث، تحلیل مفهومی و منطقی عقاید و تصورات دینی است. چرا که ما با تحلیل مفاهیم و گزاره‌ها به آنها وضوح می‌بخشیم و سپس به فهمی منسجم و منطقی درباره آنها دست می‌یابیم. بنابراین چنین فهمی نیازمند دقت در معانی الفاظ و مفاهیم است.

گام دوم: مؤلف معتقد است اگر چه ما بتوانیم مفاهیم و گزاره‌ها را تحلیل کرده و وضوح بخشیم، اما آنها همچنان دعاوی کیهانی و متافیزیکی مبهم‌اند که نیازمند کشف و اثبات می‌باشند. یعنی از طریق وضوح مفهوم خدا نمی‌توان به وجود خدا پی برد. بنابراین وجود خداوند نیازمند دلیل و برهان است.

گام سوم: در نتیجه اگر ما بتوانیم وجود خداوند را اثبات کنیم، آیا اعتقاد به گزاره «خدا وجود دارد» معقول است؟ آیا باورهای دینی ما به ویژه باور به خدا معقول است؟ این نکته ناظر به بحث معقولیت باورهای دینی است. بنابراین مسائل فلسفی که ایمان بوجود می‌آورد ناشی از این سه شیوه تحلیل مفهومی و منطقی، اثبات و معقولیت است.

## ۲. ایمان و مطالعه دین

برخی از محققان دین، سنت‌های دینی را به شیوه پدیدارشناسانه (phenomenological) مورد بررسی قرار می‌دهند. هدف آنان از مطالعه علمی دینی، فهم اعمال و عقایدی است که در این سنت‌ها وجود دارد. اما در مورد صدق و کذب دعاوی آنها قضاوت نمی‌کنند.<sup>۱</sup>

«مطالعه علمی دین به منزله رشته‌ای مستقل با محقق نامدار آلمانی - انگلیسی، فریدریش ماکس مولر آغاز شده است. سنگ بنای تحقیقات علمی و کاوش‌های تجربی و غیر فلسفی درباره دین نخستین بار بدست وی گذاشته شد».<sup>۲</sup>

---

1. penelhum.reason and religious faith.p.2

۲. همایون همتی، شناخت دانش ادیان (تهران: نقش جهان، ۱۳۷۹)، ص ۱۳.

## هدف از مطالعه علمی ادیان چیست؟

«یکی از اهداف پدیده‌شناسی دین، توصیف محض و بدور از ارزش گذاری است. یعنی کاری به حق و باطل ادیان ندارد فقط می‌خواهد شناخت بدست آورد. و این فهم شامل تمام ابعاد دین می‌شود»<sup>۱</sup>.

این فهم و شناخت علمی ادیان که همدلانه و مستقیم و بدور از ارزش گذاری می‌باشد «مبتنی بر تعلیق پدیده‌شناختی و امتناع از صدور حکم و تعیین صدق و کذب یک پدیده است»<sup>۲</sup>.  
بنابراین با توجه به عبارت فوق می‌توان ویژگی‌های مطالعه علمی دین را به صورت زیر دسته‌بندی کرد؛

۱) ناظر به تمام ادیان می‌باشد. بنابر این کلیت دارد.

۲. توصیفی بودن: به دنبال توصیف و فهم می‌باشد.

۳. تجربی بودن: مطالعه علمی و تجربی ادیان و پدیده‌های دینی است»<sup>۳</sup>.

بنابراین مطالعه علمی دین از جمله رهیافت‌هایی است که طرفداران و منتقدان بسیاری دارد. از جمله منتقدان چنین رهیافتی، مؤمنان و متکلمان ادیان مختلف هستند، که نگاه خوشبینانه‌ای به این رهیافت ندارند.

«اغلب مؤمنان و پیروان ادیان می‌پندارند که دین اساساً متعلق و موضوع ایمان است و مطالعه علمی آن به منزله یک پدیده عادی از شأن و قداست آن می‌کاهد»<sup>۴</sup>.

«در روزگار ما نظریه‌ای دیگر در مخالفت با مطالعه علمی، عینی و تجربی دین رواج یافته است که طرفداران آن، اغلب مؤمنان و متکلمان و پیروان ادیان هستند. آنها معتقدند مطالعه علمی و عینی دین در واقع نوعی تضعیف ایمان و دینداری است. طبق این دیدگاه نباید گذاشت دین تبدیل به یک موضوع علمی محض شود که درباره آن صرفاً تحقیق کنند. دین آمده است تا به نیازهای روانی و عاطفی بشر پاسخ دهد»<sup>۵</sup>.

اما دین‌شناسان در پاسخ به این انتقاد معتقدند؛

<sup>۱</sup>. همان، ص ۴۷.

<sup>۲</sup>. همو، مقدمه‌ای بر شناخت مسیحیت (تهران: نقش جهان، ۱۳۷۹)، ص ۹.

<sup>۳</sup>. همو، مقدمه‌ای بر الهیات معاصر (تهران: نقش جهان، ۱۳۷۹)، ص ۱۶.

<sup>۴</sup>. همو، شناخته دانش ادیان، پیشین، ص ۱۶-۱۵.

<sup>۵</sup>. همان، ص ۱۷.



«شناخت صحیح ادیان از آموزش‌های خود ادیان و مورد تأکید آنهاست و با شناخت درست ادیان، می‌توان به نقش، مقام و قداست آنها نیز پی برد و از همین رو باید دین را مورد مطالعه علمی قرار داد»<sup>۱</sup>.

یکی از نکات مهم در ارتباط با مباحث مطالعه علمی ادیان، ارتباط آن با فلسفه است.

*آیا مطالعه علمی ادیان بدون فلسفه امکان‌پذیر است؟*

مؤلف از جمله اندیشمندانی است که معتقد است مطالعه علمی ادیان بدون فلسفه امکان‌پذیر نیست.

وی معتقد است، مطالعه علمی دین ما را از تبیین و بررسی پرسش‌های فیلسوفان در مورد پدیده‌های دینی بی‌نیاز نمی‌کند، تنها به این دلیل که آنها به خاطر عینیت و بی‌طرفی چنین رهیافتی، باید نادیده گرفته شوند. در واقع تعلیق حکمی که مطالعه عینی و واقعی دین نیازمند است، محققان را از مواجهه با بسیاری از پرسش‌های دیگر که مطمئناً فلسفی می‌باشند باز نمی‌دارد<sup>۲</sup>.

مؤلف با سه نمونه ادعای خود را اثبات می‌کند؛

اولاً: ادیان بزرگ دنیا اختلافات و منازعات درونی فراوانی دارند. برای فهم این منازعات باید اصول متمایز کننده آنها را شناخت. برای این کار باید بررسی کنیم هر یک چگونه به پرسش‌هایی راجع به حجیت دینی، آموزه‌ها و کتب مقدس پاسخ می‌دهند. بررسی چنین منازعاتی بدون شناخت مقایسه‌ای دعاوی و معیارها امکان‌پذیر نیست. چنین شناختی وظیفه فلسفی بویژه معرفت‌شناختی است<sup>۳</sup>.

ثانیاً: تمام ادیان بزرگ جهان از پیروانشان خواسته‌ها و مطالبات عملی دارند که مبتنی بر ادعاهایی درباره جایگاه ما در جهان و نیاز ما به حل و تدبیر سرنوشت ما می‌باشد. ارتباط بین دعاوی معرفتی و مطالبات عملی این سنت‌ها بنیادی می‌باشد. اما این ارتباط و فهم آن، چیزی نیست

---

<sup>۱</sup>. همان، ص ۱۶.

<sup>۲</sup>. Penelhum, reason and religious faith, p. 2

<sup>۳</sup>. Ibid.

که بتوان بدون منازعات علمی و دینی به آن دست یافت. اینجا با پرسشی که طبیعتاً فلسفی است مواجهه می‌شویم: چه ارتباطی بین شناخت و عمل اخلاقی وجود دارد<sup>۱</sup>.

ثالثاً: آگاهی علمی از جزئیات سنت‌های بزرگ، وسیع و عمیق شده و این امر موجب پرسش‌هایی درباره ارتباط آنها با یکدیگر می‌شود.

این پرسش‌ها از یک چشم‌انداز کلی مورد توجه اندیشمندان دینی قرار گرفت:

برخی از آنها می‌خواهند بدانند آیا تباین و اختلاف بین ادیان همانقدر عمیق است که به نظر می‌رسد، یا به لحاظ فرهنگی مختلف‌اند. و واکنش‌های گوناگون آنها، نسبت به یک واقعیت می‌باشد؟ این پرسش‌ها، پرسش‌های فلسفی هستند.

کسانی که در صددند تا به آنها پاسخ دهند با مجموعه‌ای از پرسش‌های معرفت‌شناختی درباره محدودیت‌ها و توانایی‌های ذهن انسان، همانند فیلسوفان تجربه‌گرا و عقل‌گرا مواجهه می‌شوند.<sup>۲</sup> بنابراین مؤلف معتقد است، مطالعه علمی ادیان بدون فلسفه ممکن نمی‌باشد. اگر چه ممکن است کسانی که به آن مشغول هستند، از قضاوت درباره حقایق دین خودداری کنند.<sup>۳</sup>

### ۳. ایمان و دین

در الهیات مسیحی سه نظریه در باب ایمان مطرح است؛

(۱) نظریه گزاره‌ای (Propositional).

(۲) نظریه غیر گزاره‌ای (Non Propositional)؛

(الف) به عنوان حالت روحی؛ (ب) به عنوان حادثه.

مؤلف در کتاب دین و عقلانیت تفاوت دیدگاه‌ها در باب ایمان را به تفاوت دیدگاه‌ها نسبت به

وحی مربوطه می‌داند.<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup>. Ibid, p.3.

<sup>۲</sup>. Ibid.

<sup>۳</sup>. Ibid.

<sup>۴</sup>. penelhum, trence, religion and Rationality, (NewYork: random house, 1979), p. 186.

وی معتقد است نظریه گزاره‌ای بر این دیدگاه است که خداوند مجموعه‌ای از حقایق معین درباره خودش برای بشر فرستاده است. همچنین این دیدگاه معتقد است این حقایق در کتاب مقدس وجود دارد. مؤلف این دیدگاه را به توماس آکوئیناس منتسب می‌کند.<sup>۱</sup>

بنابراین طبق دیدگاه گزاره‌ای از وحی، ایمان ماهیتی معرفتی دارد و نوعی شناخت و آگاهی است که متعلق آن گزاره‌ها و باورهای دینی است.

از جمله دیدگاه‌های دیگر در این رابطه دیدگاه غیر گزاره‌ای است که خود به دو صورت شکل گرفت:

الف) دیدگاهی که ایمان را حالت روحی و رهیافتی روانی می‌داند.

ب) دیدگاه دیگر که وحی را از مقوله حادثه و ایمان را دیدن حوادث و حیانی می‌داند.

مؤلف درباره دیدگاه دوم (ب) می‌نویسد: «دیدگاه گزاره‌ای به وحی توسط افرادی از پروتستان مورد انتقاد قرار گرفت. آنها معتقد بودند آنچه وحی شده است مجموعه‌ای از گزاره‌ها نیست. بلکه خداوند خودش را آشکار ساخته است. آنها معتقدند پاسخ درست به چنین وحی‌ای تصدیق گزاره‌ها نیست، بلکه تصدیق شخص به مواجهه مستقیم با خداوند می‌باشد. کتاب مقدس گزارش حوادث تاریخی ویژه‌ای است که خداوند از آن طریق خودش را آشکار ساخته است.

البته با نگاه دقیق‌تر این حوادث تاریخی، شامل زندگی و شخصیت حضرت مسیح (ع) می‌شود»<sup>۲</sup>.

همان گونه که پیش‌تر گفته شد، دیدگاه دیگری در رویکرد غیر گزاره‌ای وجود دارد که متفاوت از دیدگاه‌های دیگر می‌باشد: «وحی در این دیدگاه مجموعه‌ای از گزاره‌ها نیست که خداوند به رسولش القاء کرده بلکه وحی تجلی خدا است. او خود را نشان می‌دهد و بشر با او مواجهه مستقیم پیدا می‌کند. بر این اساس ایمان سرسپردگی و تعهد به خداوند است، ایمان در این معنا از سنخ شناخت و آگاهی نیست، بلکه یک حالت روحی و رهیافتی روانی می‌باشد»<sup>۳</sup>.

مؤلف در این کتاب رهیافت غیر گزاره‌ای به وحی و ایمان دارد.

---

<sup>۱</sup>. Ibid.

<sup>۲</sup>. Ibid, p. 187.

<sup>۳</sup>. محمدتقی فعالی، ایمان دینی در اسلام و مسیحیت (تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۱)، ص ۸۲.

وی ابتداً ایمان را به عنوان یکی از اوصاف و حالاتی می‌داند که از اشخاص دیندار مطالبه شده است. و معتقد است که فقط شامل ادیانی مثل اسلام، مسیحیت و یهودیت می‌شود. اگر چه ممکن است آن ایمان جزء ضروری بودیسم و هندوئیسم هم باشد.<sup>۱</sup>

بنابراین مؤلف ایمان را در چارچوب دین معنا می‌کند و آن را موضوعی متعلق به دین می‌داند. وی سپس ایمان را وضع و حالت روحی و روانی (State of Mind) اشخاصی دیندار می‌داند.<sup>۲</sup>

بنابراین طبق تعریف مؤلف از ایمان، وی متعلق به دیدگاه غیر گزاره‌ای از ایمان می‌باشد که ایمان را حالت روحی و رهیافتی روانی می‌داند.

#### ۴. الهیات «theology»

مؤلف الهیات را فعالیت فلسفی در مورد ایمان می‌داند. الهیات فعالیت کاملی است از آنچه که ایمان ایجاب می‌کند. به عنوان مثال الهیدانان مسیحی معتقدند تنها کسانی که تصدیق می‌کنند، گزاره‌های «خدا وجود دارد» یا «عیسی پسر خداست» صادق می‌باشند، می‌توانند به الهیات مسیحی پردازند.

در الهیات طبیعی منازعات فراوانی وجود دارد از قبیل: آیا با عقل طبیعی می‌توان به واقعیت خداوند پی برد یا فقط از طریق وحی ممکن است؟<sup>۳</sup>

مؤلف سپس می‌افزاید، بدون شک انگیزه‌ها و مقدمات الهیات و فلسفه دین در این بحث‌ها متفاوتند، اگر چه خیلی اوقات سؤالاتی که می‌پرسند مشابه‌اند.<sup>۴</sup>

#### ۵. ایمان به عنوان پدیده «Phenomenon»

مؤلف در این بخش به مسائلی پیرامون ایمان به عنوان پدیده می‌پردازد. رهیافت مؤلف، رهیافتی پدیدارشناسانه است. چرا که در این رهیافت دین را همواره باید با ارجاع به مصداق

---

<sup>۱</sup>. Penelhum, reason and religious faith, p.4

<sup>۲</sup>. Ibid.

<sup>۳</sup>. Ibid.

<sup>۴</sup>. Ibid.

<sup>۵</sup>. مؤلف کتاب خود را کتاب الهیاتی نمی‌داند بلکه پرسشهای آن را مشترک با الهیات می‌داند. وی همچنین معتقد است این کتاب التزام و تعهد به ایمان ندارد، آنگونه که خداشناسی دارد (Ibid)